

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

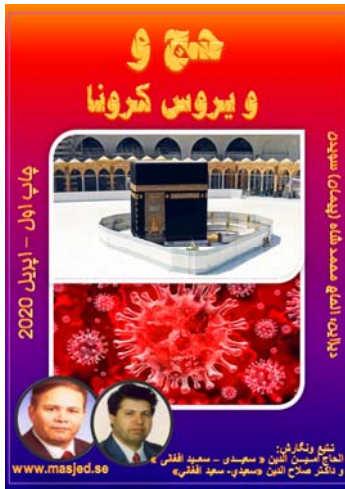
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی" و داکتر صلاح الدین "سعیدی-سعیدافغانی"
۱۱ اپریل ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم کرونا: کووید - ۱۹ (سال ۲۰۱۹)

۱

خواننده محترم!



کرونا: کووید-۱۹، قرار معلومات موجود بشری، ویروس RNA از ویروس های خانواده تاجدار است که به چشم غیر مسلح دیده نمی شود. بیرون از جسم هم تکثیر کرده و دیدن آن به میکروسکوپ نوری ممکن است. به سلول و (آر این ای) انسان وارد شده و بعد از مدت کوتاه به طور سرسام آوری تکثیر می شود. داخل سلول انسان شده و سلول انسان را به مطابق خواست خویش به کار می گمارد تا این سلول کاملاً از بین می رود.

قرارمعلومات ویروس (کووید - ۱۹) (Covid-19= Corona. Virus.Disease-19) در دسمبر، سال ۲۰۱۹ میلادی در شهر ووهان کشور چین کشف شد که از طریق تنفس هوا از راه دهن، بینی و چشم به اطرافیان

سرایت کرده و می کند. قرار معلومات این ویروس در محیط نمناک، تاریک، سرد و حتی قرار یک معلومات دیگر حتی در محیط خشک، گرم و روشن هم زنده می باشد و برای تکثیر خود محیط و سلولهای موجود زنده را انتخاب کرده و با تأثیر وارد کردن بر آن سیستم دفاعی وجود را فریب داده حشرات و سلولهای موجود زنده را از بین می برد. عوارض، علائم ابتدائی این ویروس همانا سرفه خشک و عطسه، در جنب آن شخص مبتلا دارای تب، سرفه ای خشک و خستگی با دردهای جانکاه را دارا می باشد. این مریضی تا حال از طریق گرفتن سمپل و نمونه ترشحات بینی و یا گلو آزمایش و مشخص گردیده می تواند اجداد و متشابهات بین این ویروس تاحال در سارس (SARS) کشور چین (2003)، میرس (MERS) کشور سعودی و ... دیده و می باشد.

دارو ها و تلاشهای مختلف سفارش شده تا حال به صورت کلینیکی ثابت نشده. به صورت منطقی و تأکید بخشی از متخصصان ضد عفونی کردن، غره غره آب گرم با نمک، پوشیدن ماسک، قرنطین وسایر تدابیر صحتی از شیوع هرچه بیشتر این مرض جلوگیری نموده است. **والله اعلم**

همه انسانها از هر عمر تحت خطر و تهدید این ویروس قرار دارند، ولی اکثر مبتلایان این ویروس مریضانی اند که تکلیف و مشکلات جهاز تنفسی، قلب، شکر و غیره ... و به خصوص اشخاص کهن سال و به صورت کل اشخاصی که سیستم دفاعی وجودشان ضعیف باشد، بیشتر مورد خطر و تهدید این مریضی قرار می گیرند.

با تأسف باید گفت که این مریضی «جَنی» به سرعت خارق العاده در بین اجتماعت مردم، نشر و شیوع می یابد. بنابر همین ترس و رعب از شیوع این مریضی است که ادای نماز های جمعه در زیادتر از مساجد به خصوص در کشور های اروپائی و امریکا توقف داده شد و از احتمال تعطیل مراسم حج امسال در کشور عربستان مباحثی در جریان است.

در مورد این که ویروس کرونا در ادای فریضه حج و نماز های جماعت را چطور مشکل و ممانعت ایجاد کرده می تواند و حکم ادای فریضه حج چطور حل و کدام راه درست و شرعی است؟ درین رساله ما به حل مسأله کرونا و ادای فریضه حج پرداخته و تلاش می داریم تا جواب درست شرعی درین چوکات خدمت شما تقدیم بداریم. **والله اعلم بالصواب.**

حج و شیوع ویروس کرونا:

قرآن عظیم الشان در (آیت ۹۶ سوره آل عمران) می فرماید: «**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ**» (بی گمان اولین خانه (عبادتگاهی) که برای مردمان بنا نهاده شد، خانه ایست که در مکه قرار دارد، محل برکت و سبب هدایت برای عالمیان است.)

قرآن عظیم الشان کعبه را به عنوان اولین خانه توحید و با سابقه ترین مرکز عبادت عمومی برای بشریت در روی کره زمین معرفی و اعلان داشته است، مرکز عبادتی که هیچ معبدی پیش از آن مرکز عبادت الله (ج) نبوده است و کعبه با این سابقه مقدس، بر بیت المقدس ترجیح یافت و قبله جهانیان به امر الهی جل جلاله، اعلام گردید.

به صورت کل در قرآن عظیم الشان ده بار بحث از «حج» با تکرار کلمه «حج» ذکر می شود. عمل آمده است. نه بار این کلمه با تعبیر «حج» به فتح حا (ویک بار) در آیت ۹۷، سوره آل عمران (با تعبیر) حج به کسر حا بیان شده است.

کلمه «حَجَّ» به فتح (حاء) در لغت به معنای قصد به حرکت است؛ کلمه «محجه» به معنای راه هموار و مستقیمی است که انسان را به مقصد رهسپار می سازد.

نظر به این که در زیارت کعبه و انجام مراسم آن، قصد سفر و حرکت نهفته است، آن را حج نامگذاری نموده اند.

خواننده محترم!

نباید فراموش کرد که رفتن و زیارت کردن حج در زندگی یکبار فرض است و حتی در روایات متفق علیه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم، پیش از هجرت و بعد از نبوت در مکه مکرمه و قبل از هجرت بعد از نبوت، صرف یک بار و یا هم دوبار مراسم حج را انجام فرموده اند. (واقعی، محمد بن عمر، المغازی، جلد ۳، صفحه ۱۰۸۹، بیروت، اعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.).

ولی بعد از هجرت: چهار بار به سفر عمره رفته و آخرین بار آنها همراه حج تمتع بود. (دلایل النبوة، ج ۴، ص ۹۲).

بنا بر روایت مشهور؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم یک حج تمتع به همراه عمره، در سال دهم هجری انجام دادند که در کتب مستند تاریخ اسلام به «حجة الوداع» شهرت دارد. (تفصیل موضوع: ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد،

جوامع السيرة النبوية، ص ۱۴، بیروت، دار الکتب العلمیة، ؛ دلائل النبوة، ج ۵، ص ۴۵۴؛ سهیلی، عبد الرحمن، الروض الانف فی شرح السيرة النبوية، ج ۷، ص ۲۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ (ق). مسلم و ثابت است که سفر به حج و عمره نباید غرض هم چشمی و نه هم تبلیغ و خبررسانی و نه هم شهرت طلبی، صورت گیرد، نشر و پخش مطالب درین مورد برای تربیه و تشویق امر مفید و خیر می باشد و الله تعالی بر قلبها دانا است.

چنانچه می دانیم و گفته آمدیم، سفر به بیت الله شریف صرف یک سفر و پرواز جسم نیست، بلکه در زیارت بیت الله، پرواز جسم مقدمه و وسیله برای پرواز روح است و عملی کردن و اجرای مناسب مقرره مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم امر الهی و ادای وجیبه و فریضة یک مسلمان است.

اما حج «به کسر حا» طوری که در (آیت ۹۷ سوره آل عمران) ذکر می شود عمل آمده است. «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (و الله حج خانه کعبه را بر مردمانی که توانائی رفتن به آنجا را دارند واجب گردانیده است) (بر کسانی از مسلمانان است که توان رسیدن به آنجا از لحاظ مالی و جانی و وسائل راه را داشته باشند).

کلمه حج به معنای قصد زیارت بیت الله است، ولی کلمه حج به معنای نتیجه قصد است؛ یعنی تنها قصد زیارت بیت الله کافی نیست بلکه باید زیارت بیت الله باید ذی معنی و ذی مفهوم و دارای هدف واقعی صورت گیرد. در سفر حج مقدمه و پیش زمینه حج است و هدف اصلی رسیدن به مقصود و اهداف حج است، باید حج حساب شده و با محتوا به جا آورد نه حج بی مفهوم و بی محتوا.

طوری که یاد آور شدیم؛ حج یک مسلمان باید یک حرکت عظیم معنوی و حساب شده باشد، که هم زمان جسم و روح در آن به سفر بپردازند.

و به عبارت دیگر: حج در لغت به معنای اراده زیارت کردن و در اصطلاح عبارت از آن عبادت جامع است که مسلمانان به بیت الله رفته و با خالق یکتا، خویش تعهد می بندد و خود را به طور کامل به پروردگار خویش می سپرد و خود را مسلمان حنیف می سازد.

تقدس و بزرگی، پاکی و عظمت خانه کعبه هم به خاطر نور الهی و رحمت الهی است که بر بیت الله وارد، گزیده و انتخاب شده است.

بنابراین، قبل از آن که «حج» یک حرکت صوری و به اصطلاح یک سفر خشک ظاهری باشد، قبل از آن که به شکل تمرکز و اساس قرار داده شود، حج به مفهوم واقعی آن یک حرکت درونی و سیر و سیاحت باطنی و خانه کعبه به خاطر نور و رحمت الهی مورد تقدس و عظمت است.

ادای فریضة حج از جمله رکن پنجم اسلام برای مسلمان بوده، و به مثابه حق الله تعالی بر بندگان بر کسانی است که توانائی رسیدن به بیت الله را مطابق رهنمودها و هدایات اسلامی داشته باشند. کسانی که با وجود استطاعت حج نمی کنند، در حقیقت حق خداوند متعال را تلف می نمایند و مرتکب گناه می شوند. حج هجرت است و آنهم هجرت مقدس از همه وابستگی ها و عادت ها به سوی خالق و به سوی فطرت الهی.

فضیلت احسان و هزینه در سفر حج:

بُرَيْدَةَ بن حُصَيْبِ أَسْلَمِي، صحابی جلیل القدر روایت می دارد که: پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: «النَّفَقَةُ فِي الْحَجِّ كَالنَّفَقَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الدرهم بسبعمائة ضعف» مصارف سفر حج مانند، مصارف در راه الله است، که يك درهم، به هفتصد برابر است. به روایت احمد و ابن ابی شیبیه و طبرانی و بیهقی با اسناد حسن.

چنانچه گفته آمدیم حج در طول زندگی صرف يك بار بالای مسلمان واجب است علماء اجماع دارند بر این که حج در طول عمر هر انسانی یکبار واجب است و تکرار نمی‌گردد. مگر این که کسی نذرکننده در این صورت وفای به نذر بر او واجب می‌باشد.

پس حج یکبار واجب است و هرچه بیشتر از آن صورت‌گیرد سنت و داوطلبانه است. حضرت ابوهریره (رض) می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و سلم در ضمن خطبه‌ای برای ما گفت: «یا ایها الناس، ان الله کتب علیکم الحج فحجوا» (ای مردم خداوند بر شما حج را فرض کرده است، پس به حج بروید و فریضه حج را به جای آورید). یکی پرسید: هر سال واجب است ای رسول الله؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم جواب او را نداد، تا این که سه بار این پرسش را تکرار نمود.

آنگاه گفت: «لو قلت: نعم، لوجبت، ولما استطعتم» ثم قال: «ذرونی ما ترککم، فإنما أهلك من كان قبلكم کثرة سؤالهم، واختلافهم علی أنبیائهم، فزاد أمرکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم، وإذا نهیتکم عن شئ فدعوه» (اگر می‌گفتم: بلی بر شما واجب می‌شد، که هر سال حج بگذارید، و نمی‌توانستید. سپس گفت: درباره چیزی که نگفته‌ام، مرا به حال خویش بگذارید، بیگمان پرسشهای فراوان و اختلاف با پیامبران امتهای پیش از شما را به هلاکت گرفتار ساخت. پس هرگاه شما را به چیزی دستور دادم، آن را تا آنجاکه در توان دارید انجام دهید و هرگاه شما را از چیزی نهی کردم، آن را به کلی ترک کنید.) (بروایت بخاری و مسلم).

حضرت ابن عباس می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و سلم در ضمن خطبه‌ای برای ما گفت: «یا ایها الناس کتب علیکم الحج» (ای مردم حج بر شما واجب شده است)، اقرع بن حابس برخاست و گفت: هر سال واجب است ای رسول الله؟ فرمود: «لو قلتها لوجبت، ولو وجبت لم تعملوا بها، ولم تستطیعوا، الحج مرة، فمن زاد فهو تطوع» (اگر می‌گفتم: بلی، واجب می‌شد و اگر واجب می‌شد نمی‌توانستید بدان عمل کنید، حج واجب در همه عمر یکبار است و هرکس بیش از یکبار حج بگذارد، داوطلبانه و سنت است) به روایت احمد و ابوداود و نسائی و حاکم که آن را تصحیح کرده است.

آیا وجوب حج فوری است و یا به تراخی و فرصت؟

امام شافعی، امام ثوری، امام اوزاعی و امام محمد بن الحسن گفته‌اند وجوب حج بر سبیل تراخی است پس با تأخیر می‌توان آن را انجام داد یعنی همین که شرایط وجوب حاصل شد لازم نیست که فوراً انجام‌گردد، بلکه در هر وقت از طول زندگی می‌توان بدان مبادرت ورزید و تأخیر در آن موجب‌گناه نیست، مشروط بر آن که پیش از مرگ موفق به انجام آن شود زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم حج را تا سال دهم به تأخیر انداخت، که در آن سال زنان خود را همراه خویش برد و بسیاری از یاران هم او را همراهی می‌کردند، با وجود این که حج در سال ششم هجری واجب‌گردید. اگر وجوب حج بر سبیل فوریت بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را به تأخیر نمی‌انداخت.

امام شافعی‌گوید: ما بدین مطلب استدلال می‌کنیم که حج در طول زندگی يك بار واجب است که ابتدای زمان انجام آن، زمان بلوغ و انتهای آن، پیش از مرگ است.

امام ابوحنیفه و مالک و احمد (رحمت الله علیهما اجمعین) و بعضی از یاران شافعی و ابویوسف می‌گویند، وجوب حج فوری است یعنی همین که بر کسی واجب شد، باید هرچه زودتر اقدام به انجام آن کند و تأخیر موجب‌گناه است. زیرا ابن عباس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «من أراد الحج فلیعجل، فإنه قد یمرض المریض، وتضل الراحلة، وتكون الحاجة» (هرکس می‌خواهد حج بگذارد، شتاب کند زیرا ممکن است مریضی پیش آید یا راحله و مرکب‌گم شود، یا فقرو نیاز پیش آید).

دیگران این حدیث‌ها را حمل بر ندب و سنت بودن تعجیل در انجام آن کرده‌اند که مستحب است. مکلف هر وقت توانائی انجام آن را داشت زودتر بدان مبادرت ورزد.

شروط وجوب حج:

شروط وجوب حج پنج است:

- ۱ - مسلمان بودن.
 - ۲ - بالغ بودن.
 - ۳ - عاقل بودن.
 - ۴ - آزاد بودن یعنی این که برده نباشد.
 - ۵ - استطاعت مالی و بدنی و امنیتی راه رسیدن به مشاعر مقدسه.
- و برای زن شرط ششم بر او اضافه می‌شود و آنهم وجود محرم با او حال این که آن محرم شوهر او باشد و یا یکی از افراد خانواده که بر او محرم می‌باشند و نمی‌توانند با از ازدواج کنند چه از طریق نسب و چه از طریق سبب مباح مانند: (پدر، برادر، کاکا، ماما، شوهر مادر، شوهر دختر، پسر، پسر برادر، پسر خواهر) همه اینها چه این که از شیر خواری باشند و یا از نسب.
- حریت و آزاد بودن - یعنی برده و غلام نبودن - شرط وجوب حج است؛ چون حج عبادتی است که مقتضی صرف وقت و زمان زیادی می‌باشد و استطاعت و توانائی جسمی و مالی نیز شرط آن است، در حالی که عبد و برده، مشغول انجام خدمات اربابش می‌باشد و استطاعت مالی ندارد و قرآن کریم به شرط بودن استطاعت و توانائی، تصریح فرموده است: «و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً» (برکسی که استطاعت دارد واجب است که خانه کعبه را زیارت کند).

استطاعت چیست؟

استطاعت و توانائی که شرط وجوب حج، می‌باشد عبارتند از:

- ۱- مکلف باید تن سالم داشته باشد، اگر کسی به علت پیری یا ناتوانی جسمی یا هم مریضی که امیدی به بهبودی و صحت‌مندی در آن نباشد و از انجام حج عاجز و ناتوان گردید. ولی اگر ثروتی در اختیار داشته باشد می‌تواند شخص دیگری را به جای خود، به ادای مراسم حج اعزام بدارد.
 - ۲- راه باید امن و امان باشد، طوری که حاجی، بر جان و مال خویش ایمن باشد. اگر کسی خوف اززدان و راهزنان داشت یا از شیوع مریضی به طور مثال از مبتلا شدن از «ویا ویا ویروس کرونا» در خوف و نگران باشد، و یا هم این که در راه تلاف و یا از خوف این که مالش را بدزدند، بناءً او مستطیع نیست و توانائی انجام حج را ندارد.
- در باره عوارض و مالیاتی که از حجاج گرفته می‌شود، علماء اختلاف دارند که عذر ساقط کننده حج است، یا عذر ساقط کننده وجوب حج نیست؟ مطمئناً بحث و تمرکز ما بر حج واجب است که در زندگی یک بار با در نظر داشت تراخی می‌باشد.

امام شافعی (رحمت الله علیه) و دیگران آن را عذری ساقط کننده حج می‌دانند، اگرچه این مالیات و عوارض و امثال آن، اندک هم باشد.

مالکیه گفته‌اند وقتی می‌تواند عذر به حساب آید، که در اخذ آن اجحاف باشد یا تکرار گردد.

۳ - ۴ - داشتن توشه و وسیله سواری، ایاب و ذهاب (وسیله رفت و آمد):

درباره توشه و آذوقه گفته‌اند: باید آنقدر داشته باشید که برای تندرستی خود و نفقه خانواده و افراد تحت تکلف وی کافی باشد و مزاد بر حوائج اصلی و ضروری او باشد از قبیل مسکن و لباس و وسیله ایاب و ذهاب و وسیله کسب و کار، تا این که این فریضه را انجام می‌دهد و برمی‌گردد.

درباره وسیله سفر گفته‌اند: باید قادر باشد وسیله ایاب و ذهاب (آمد و رفت) از طریق زمین یا بحر یا هوا را تأمین کند. البته این شرط برای کسانی است که از نقاط دور به مکه می‌روند نه برای کسانی که ساکن مکه می‌باشند و چون برای کسانی که خیلی نزدیک هستند تهیه وسیله ایاب و ذهاب شرط نیست چون بدون وسیله هم می‌تواند حج را بگذارد. (نباید لباس و کالاهای ضروری و لازم و خانه و ابزار کار را برای حج بفروشد، بلکه باید هزینه سفر حج مزاد بر اینها باشد).

در بعضی از روایات آمده است که، پیامبر صلی الله علیه و سلم استطاعت سبیل را به توشه و وسایل ایاب و ذهاب تفسیر کرده است. حضرت انس (رض) می‌فرماید که از: پیامبر صلی الله علیه و سلم سؤال شد که معنای سبیل در آیت چه است؟

فرمود: «الزاد والراحلة» (توشه و مصارف سفر و ایاب و ذهاب). دارقطنی آن را روایت و تصحیح کرده است. حافظ ابن حجر گفته است راجح آنست که این حدیث مرسل باشد، ترمذی هم آن را از قول ابن عمر نقل کرده است که در اسناد آن ضعفی هست. عبدالحق همه طرق روایت این حدیث را ضعیف دانسته و ابن المنذر گفته است این حدیث به طور مسند ثابت نشده است. پس صحیح آنست که مرسل باشد.

علی بن ابی طالب گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «من ملك زادا وراحلة تبلغه إلى بيت الله ولم يحج، فلا عليه أن يموت إن شاء يهوديا، وإن شاء نصرانيا» (هرکس هزینه و توشه و وسیله ایاب و ذهاب داشته باشد و به حج نرود، فرق نمی‌کند، می‌خواهد چون یهودی بمیرد یا چون نصرانی) زیرا الله تعالی می‌فرماید: «ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا» به روایت ترمذی که در اسناد آن «هلال» بن عبدالله می‌باشد که مجهول است و حارث است که شعبی و دیگران او را، دروغگو دانسته‌اند. این احادیث اگرچه همه ضعیف هستند ولی اکثر علماء برآنند که داشتن توشه و هزینه ایاب و ذهاب، برای کسانی که از مکه دور هستند شرط وجوب حج می‌باشند. پس اگر کسی آنها را نداشته باشد، حج بر وی واجب نیست. ابن تیمیه گوید: این احادیث از طرق نیکو مسند و مرسل و موقوف هستند و دلالت دارند بر این که وجود توشه و وسیله ایاب و ذهاب مبنای وجوب حج هستند، با این که پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌دانست که بسیاری از مردم می‌توانستند پیاده هم به حج بروند. به علاوه خداوند درباره حج گفته: «من استطاع إليه سبيلا» یا مقصود قدرت و توانائی معتبر در همه عبادات است یا چیزی زاید بر آن. اگر مراد اولی باشد، احتیاجی به این قید نبود، همانگونه که در نماز و روزه از این قید سخنی نرفته است، پس مقصود توانائی زاید بر آن توانائی و امکانی است، که در دیگر عبادات معتبر است و عبارت می‌باشد از توانائی مالی. گذشته از آن، حج عبادتی است که نیاز به طی مسافه دارد، بنابراین داشتن توشه و وسیله ایاب و ذهاب شرط آن است، همانگونه که در جهاد نیز این شرط هست. پس به قیاس بر جهاد هم استطاعت شرط وجوب حج است، دلیل شرط توانائی برای وجوب جهاد که اصل این قیاس است، آیت قرآن است: «ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حج» (کسانی که نفقه زندگی و زاد و راحله ندارند، بر آنان حرجی و باکی نیست که به جهاد نروند) و «ولا على الذين إذا ما أتوك لتحملهم، قلت لا أجد ما أحملكم عليه» (کسانی که پیش تو آمدند و گفتند: وسیله ایاب و ذهاب برای جهاد نداریم و تو بدانان گفتی من وسیله‌ای ندارم که در اختیار شما بگذارم. بر آنان گناهی نیست که به جهاد نروند)..

در مذهب **الأحكام** – تألیف : السيد عبد الأعلى السبزواری آمده است : اگر کسی توانائی مالی داشت که زاد و راحله یعنی توشه و وسیله ایاب و ذهاب، تهیه کند ولی بدان مبلغ برای بازپرداخت دین و قرض نیاز داشت، خواه این قرض وقت آن رسیده باشد یا وقتش نرسیده باشد، در اینصورت حج واجب نمی شود، زیرا قرض اگر وقتش رسیده باشد فوریت دارد ولی در حج وجوب فوری نیست، پس پرداخت قرض مقدم است و قرضی که وقتش نرسیده باشد، ممکن است که اگر به حج برود، به وقت رسیدن وعده پرداخت قرض، قادر بدان نباشد، لذا آنهم بر حج مقدم است. باز هم گفته است: اگر به هزینه زاد و راحله، برای تهیه مسکن ضروری یا پرداخت مزد خدمتکار ضروری، نیاز داشت، باز هم حج واجب نمی گردد. اگر نیاز به ازدواج داشت و خوف زنا داشت، ازدواج بر حج مقدم است، چون نیاز بدان فوریت دارد. اگر به هزینه زاد و راحله برای تجارت جهت تهیه مصارف زندگی، ضرورت داشت ابوالعباس بن صریح گوید: در این صورت هم حج واجب نیست، چون بدان احتیاج دارد و آنهم به منزله مسکن و خادم است.

در معنی آمده است: اگر کسی بر شخصی پولدار و غنی قرض داشت که از پرداخت قرض خود داری نمی کرد و آن وام برای هزینه حج کفایت می نمود، حج بر او واجب می شود، چون توانائی دارد. اگر قرضدار چیزی نداشته «معسر» (تنگدستی و درسختی) باشد یا وصول قرض ممکن نباشد، بر او حج واجب نمی شود.

امام شافعی (رح) می فرماید: اگر کسی قادر به تهیه وسیله ایاب و ذهاب نباشد و شخص دیگر حاضر شده که بدون عوض وسیله به وی بدهد، لازم نیست که آن را قبول کند. چون تحمل منت هم دشوار است، و پذیرفتن آن منت را به دنبال دارد. مگر این که فرزندش حاضر باشد امکانات سفر حج را در اختیار وی بگذارد. در این صورت باید آن را بپذیرد و حج بر وی لازم و واجب می شود، زیرا در این صورت منت منتفی است.

ولی حنبله بدین عقیده اند: با بخشش کمک دیگران مطلقاً حج واجب نمی شود و استطاعت حاصل نمی گردد خواه بخشنده امکانات، بیگانه باشد یا خویشاوند، خواه زاد و راحله به وی دهند یا هزینه آن را.

ادامه دارد